

یادداشت

تاریخِ ماندگار کتاب و کتاب‌خوانی



حجت‌الاسلام سیدجلال حسینی رئیس سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس

آن را فراهم آورد.

از حدود سال ۱۵۰ قمری، مکان ویژه‌ای برای کتابخانه در نظر گرفته شد. اما توجه جدی به جایگاه کتابخانه به اوایل قرن ۱۴ شمسی برمی گردد. همین امر، مهم‌ترین سبب شتاب در روند توسعه کتابخانه و اقبال روزافزون پژوهشگران و کتاب‌خوانان به این مکان به‌شمار می‌رود. گرچه محل کتابخانه، در طول سالیان، بارها تغییر کرده، همواره در جوار مرقد مطهر و داخل حوزه اماکن متبرکه قرار داشته است.

در طول سال‌های متمادی، فرهیختگان بسیاری در این مکان قدم نهاده‌اند و مدیریت این کتابخانه را برعهده داشته‌اند. استاد رضاعلی شاکری، یکی از این دانشی مردانی است که علاوه بر داشتن ظرفیت فرهیختگی و نسخه‌شناسی، سال‌ها مدیریت کتابخانه را برعهده داشت. او نخستین رئیس کتابخانه است که با حکم تولیت فقید آستان قدس رضوی، مرحوم آیت‌ا... واعظ طبسی، بر کرسی این نهاد تکیه زد و در طول سال‌های حضورش، سبب اتفاقی‌های مبارکی در عرصه کتاب و کتاب‌خوانی شد. او پیش از این نیز ریاست کتابخانه فرهنگ و هنر مشهد را بر عهده داشت و با تکیه بر تجربه و دانش خویش توانست حرکتی روبه جلو در مسیر توسعه کتابخانه داشته باشد.

او با تکیه بر دانش نسخه‌شناسی خود توانست اثری ستودنی به‌نام «گنج هزار ساله» به رشته تحریر در آورد. او در این کتاب به معرفی میراث نفیس کتابخانه آستان قدس که در طول هزار سال در این مجموعه نگهداری می‌شود، پرداخت. در کنار آن به معرفی واقفان عمده کتابخانه نیز پرداخت. این اثر هنوز مورد مراجعه محققان و نسخه‌پژوهان قرار می‌گیرد.

استاد شاکری به حق تاریخ شفاهی کتاب و کتابخانه در مشهد بود. او خاطرات ناب‌ی از حضورش در مشهد و آشنایی با فرهیختگان خراسانی و کشور داشت. جای بسی خوشبختی است که خاطرات زندگانی این بزرگ‌مرد فرهیخته مشهدی به‌با عنوان «زیست‌نامه» به رشته تحریر درآمده است. امیدواریم که این اثر در آینده نزدیک به‌زیر طبع آراسته شود.

درنگ

ارمغان فکری، میراث مکتوب پدر

بخش عمده‌ای از خاطرات دوران کودکی من، به‌واسطه پدر، به‌نوعی با کتاب گره خورده است. از پرسه‌زنی در میان قفسه‌های کتابخانه شخصی «ر.ع شاکری» تا سهمیه خرید یک کتاب داستان در عصرهای پنجشنبه «کتابفروشی حاج آقا رحب‌زاده» (انتشارات امام)، سه‌ماه تعطیلی تابستان هم از صبح تا ظهر در بخش آماده‌سازی کتاب کتابخانه آستان قدس رضوی سپری می‌شد.

به تدریج که این ارتباط با کتاب و کتابخانه جدی‌تر شد، متوجه گنجینه‌هایی نفیس در میان آرشوپدر شدم؛ از آن جمله مجموعه‌ای کم‌نظیر از دست‌نوشته‌های تعدادی از مشاهیر و فرهیختگان ایرانی و غیرایرانی با عنوان «ارمغان فکری» که از ۲۵دی‌ماه سال ۱۳۴۲ به‌اهتمام ایشان گردآوری شده است. درست‌به‌یاد دارم که دی‌ماه سال ۱۳۸۲ خورشیدی درست در چهل سالگی این مجموعه شریف، بی‌اپدر درباره هدف تأسیس آن سخن گفتیم و ایشان از من خواستند که مسیر را ادامه‌دهم و من نیز اجابت امر کردم و ادامه‌ادم. آن‌هم چه ادامه‌ای، که از دل آن، خاطرات و تجاربی نصیب شد که خود شنیدنی است و حاشیه‌هایی ساخت‌نه پررنگ‌تر از متن، که در نوع خود ارزشمند.

بنای اولیه بر آن بوده است که چهل نفر از مشاهیر و فرهیختگانی که سابقه دوستی، معاشرت و... با پدر داشتند، به‌سوالاتی که ایشان در مقدمه دفتر مطرح نمودند، پاسخ دهند. به‌مرور اما فراتر از آن پرسش‌ها، ما حاصل تجارب زندگی این فرهیختگان مدنظر قرار گرفت.

افتتاح این مجموعه با مطلبی پر بار و ارزشمند از مرحوم استاد محمدتقی شریعتی مزینانی همراه است که به‌خط ایشان به رشته تحریر درآمده به تاریخ ۱۳۴۲ اسفند ۱۳۴۲. به تدریج بزرگانی دیگر نیز به این مجموعه اضافه شدند از جمله میرزا خلیل کمره‌ای، استاد کاظم مدیرشانه‌چی، دکتر حسین رزمجو، عبدالفتاح عبدالمقصود، پروفسور فؤاد سرکین، پروفسور عبدالجواد فلاطوری، دکتر محمدجعفر یاحقی و... تا ۲۷ نفر. باری، مسئولیت ادامه مسیر بر دوش من قرار گرفته بود. فرهیختگانی همچون پروفسور عبد‌الغزیز شاددینا، کاظم موسوی بجنوردی، دکتر مهدی محقق، استاد ایرج افشار، دکتر محمدحسن گنجی، دکتر محمدحسین پاپلی یزدی، عبدالحسین آذرنگ، محمدصادق خرازی، استاد سیدعبد... انوار، دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی و... در آن مطالب ارزشمندی نوشتند.

به این بهانه هم‌نشینی با بزرگان برایم تجربه‌ای کم‌نظیر رقم زد. از دیدار یادکتر محمدحسن گنجی (پدر علم جغرافیای ایران) در صدسالگی و حکایت چگونگی آشنایی با پدر پس از وقایع موسوم به «انقلاب فرهنگی» به‌بهانه فروش کتابخانه شخصی‌اش از سرناچاری به آستان قدس رضوی و انصاف پدر در مواجهه با این امر، تا ملاقات‌های پایانی با یادکتر مهدی محقق در دفتر مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل کانادا و بازگویی خاطرات ایشان و پدر از تحصیل در مدرسه علمیه نواب مشهد و میراث‌ات سال‌های بعد در زمینه نسخه‌های خطی. از حضور در کلاس‌های درس پروفسور شاددینادر دانشگاه فردوسی مشهد و نقل‌خاطرات شیرین ایشان از جلسات مثنوی‌خوانی پیش از انقلاب همراه پدر در منزل شادروان محمدعلی تولایی.

از دیدار با استاد ایرج افشار در مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی بدین منظور و سپس افتخار شاگردی ایشان در آن مرکز ارجمند، تا آشنایی با استاد عبد... انوار و افتخار میزبانی ایشان در کتابخانه و موزه ملی ملک «ارمغان فکری» میراث مکتوب پدر است؛ میراث مکتوب یک کتابدار و کتاب‌شناس.

پرونده ویژه شهرآرا به مناسبت درگذشت استاد رضاعلی شاکری، فرهیخته مشهدی و نخستین سرپرست کتابخانه آستان قدس رضوی

میراث‌بان گنجینه رضوی

امید حسینی نژاد

فقدان انسان‌هایی که سال‌ها در کنار ما زیسته و تاریخ این شهر را رقم زده‌اند، بسی تلخ و دردناک است. گاهی حضور فردی در شهر و فعالیت‌های او سبب

ایجاد تاریخی ماندگار می‌شود. مرحوم استاد رضاعلی شاکری، کتاب‌شناس و فرهیخته مشهدی، یکی از کسانی است که تاریخ ماندگار کتاب و کتاب‌خوانی شهرمان بود. او ۱۴ فروردین سال ۱۳۰۳ خورشیدی در شهر قوچان دیده به جهان گشود. زیر نظر پدرش مرحوم «ملا آقا بابا» پرورش یافت و سال‌های ابتدایی تحصیل را در این شهر گذراند.

او نخستین گام برای تحصیل و آموزش را در مدرسه برداشت. علی‌رغم وجود مکتب‌خانه‌های متعدد در شهر و جوامعه که آموزش در مدارس تازه‌بنیاد، نوعی گسترش بی‌دینی و لایقیدی کودکان می‌پنداشتند، پدر با رفتن وی به مکتب‌خانه مخالفت کرد، زیرا عزم آن داشت که کودکش با سواد شود و باور داشت که ما حاصل مکتب‌خانه چیزی نیست جز اندکی مهارت در خواندن عم‌جزء و قدری نصاب الصبانی و ترسل.

نخستین مدارس به سبک جدید در قوچان از حدود سال ۱۲۹۰ خورشیدی راه‌اندازی شد، از جمله آن‌ها «مدرسه ملی احمدی»، «مدرسه مهرداد» و «دبستان ملی اسلامی» بود. با پشت سر گذاشتن دوران کش ساله ابتدایی و دریافت مدرک تحصیلی، او برای تدریس در همان مدرسه پذیرفته می‌شود. در همان

زمان او به کمک دکتر حبیب‌ا... سیاح به آموختن دانش ابتدایی طب و زبان فرانسه مشغول می‌شود. از دیگر تجربه‌های ناب او در همان سنین کودکی، کار در داروخانه و ساخت داروهای ترکیبی و نیز دستیاری در مطب دندان پزشکی است. او هرگز از آموختن و کسب دانش و تجربه‌های نو ابایی نداشت.

سخت‌ترین خاطره کودکی‌اش، مرگ پدر در سال ۱۳۱۷ بود. زمانی که او فقط ۱۴ سال داشت و ناگزیر مسئولیت نگهداری و حفاظت از خانواده برعهده‌اش گذاشته‌شد. در این ایام برای تأمین معاش خانواده و گذران زندگی، به انجام هرکاری که به‌وی پیشنهاد می‌شد، تن می‌داد. از آنجا که دبیرم ششم ابتدایی را داشت و از خطر ربط نیکویی نیز بهره‌مند بود، مشاغل آبرومندانه‌ای همچون کار در اداره کشاورزی، دارالو کاله یا دفتر دادگستری را تجربه کرد.

در سال ۱۳۲۳ تصمیم بزرگی گرفت و به‌همراه خانواده به مشهد مهاجرت کرد و در اداره فرهنگی به بخش کارگزینی انتقال یافت و هم‌زمان توانست در سال ۱۳۲۸ دبیرم متوسطه خود را دریافت کند. اما در این زمان، در نتیجه فشار کار و نداشتن فرصت استراحت، دچار بیماری اعصاب شد که مدت طولانی تاب و توانش را گرفت و ناچار مدتی را در یکی از بیمارستان‌های تهران بستری شد.

در آن زمان در مشهد احزاب مختلفی با مرام‌های فکری متنوع وجود داشت که هر یک به تبلیغ افکار خود مشغول بود. همچون حزب توده، حزب پیکار، حزب میهن پرستان، حزب دموکرات ایران، حزب مردم، انجمن

تبلیغات اسلامی، انجمن پیروان قرآن، کانون نشر حقایق اسلامی، مراکز تبلیغی بهاییگری، و نیز جلسات آشنایی با افکار سید احمد کسروی. وی چندین بار به این جلسات رفت و با افکار و دیدگاه‌های ایشان آشنا شده بود ولی این نظرگاه‌ها پاسخ‌گوی ذهن او نبود و وی را اقناع نمی‌کرد. به تدریج با استاد محمدتقی شریعتی و مجالس درس وی آشنا شد و به عضویت کانون نشر حقایق درآمد.

استاد شاکری در سال ۴۶ به ریاست کتابخانه فرهنگ و هنر مشهد برگزیده شد. در طول سال‌های حضورش در این کتابخانه، تحولات بزرگی در این کتابخانه

مردی ادیب و فاضل

دکتر مهدی محقق، دهم بهمن ۱۳۰۸ در شهر مشهد در خانواده‌ای روحانی به دنیا آمد. پدرش حاج شیخ عباسعلی محقق خراسانی بود. مهدی محقق تانه سالگی در این شهر زیست. سپس در سال ۱۳۱۷ خورشیدی به تهران رفت. در سال ۱۳۲۷ خورشیدی وارد دانشگاه تهران شد و دوره دکترای الهیات را در سال ۱۳۳۷ خورشیدی به پایان رسانید. سال ۱۳۳۹ خورشیدی پس از شرکت در آزمون دانشیاری به عضویت هیئت آموزشی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران درآمد. وی مدت ۱۵ سال ریاست انجمن آثار و مفاخر فرهنگی را عهده‌دار بود. او سال‌ها با مرحوم استاد رضاعلی شاکری رفاقت نزدیک داشته و با او در مدرسه نواب هم حجره‌ای بوده است.

هر وقت که نام دوست صدیق و مهربان، استاد رضاعلی شاکری، به میان می‌آید، کتابخانه آستان قدس رضوی به خاطر متبادر می‌کند. سال‌های ۱۳۳۶ و ۱۳۳۷ در مدرسه نواب بودم و روزی

شش ساعت از محضر پرفیض مرحوم شیخ محمدتقی ادیب‌نیشابوری استفاده می‌کردم. هر وقت کتاب‌هایی را در درس نام می‌برد، من فوراً به کتابخانه می‌آمدم و آن‌ها را شناسایی می‌کردم و از آن‌ها

یادداشت بر می‌داشتم که بسیاری از آن یادداشت‌ها در کتاب «هزار و پانصد یادداشت» منتشر شده است. سال ۱۳۳۷ که «اشترنامه» عطار یا منسوب به عطار را برای انجمن آثار

ملی تصحیح می‌کردم، نسخه‌ای از آن را به پایمردی مرحوم شاهزاده و کتابی و مرحوم ولایی به دست آوردم. در سال‌هایی که برای گنگره ناصر خسرو و بیهقی و دقیقی و نیز شیخ طوسی

یادداشت بر می‌داشتم که بسیاری از آن یادداشت‌ها در کتاب «هزار و پانصد یادداشت» منتشر شده است. سال ۱۳۳۷ که «اشترنامه» عطار یا منسوب به عطار را برای انجمن آثار

هویت‌سازی تاریخی

د کتر ابوالفضل حسن آبادی رئیس مرکز نسخ خطی کتابخانه آستان قدس رضوی و دانش آموخته تاریخ و مدرس تاریخ شفاهی و محلی است. او کتاب‌ها و مقالات گوناگونی در زمینه تاریخ شفاهی و محلی به رشته تحریر درآورده و پروژه‌های پژوهشی در باره تاریخ محلی خراسان انجام داده است. او دو کتاب، سادات رضوی در مشهد، و، تاریخ شفاهی در ایران، را تألیف کرده و ۸۰ مقاله پژوهشی نوشته که ۳۰ مقاله در باره تاریخ شفاهی است. در این گفتار، او به بررسی امتیازهای، اثرکنامه، نوشته رضاعلی شاکری پرداخته است.

تاریخی زمان خود است، زحمت‌های نویسنده در مستندسازی محتوای ارائه‌شده، ستودنی بوده است. یکی از ویژگی‌های بارز مرحوم شاکری که کمتر مورد توجه قرار گرفته، از خودگذشتگی تاریخی و ایثار در پرآکندن علم و دانش است. در واقع زندگی وی را می‌توان از دو جنبه متفاوت بررسی کرد. اول محلی‌نگاری در باره شهر موردعلاقه که در ابتدا به آن توجه کرده بود و دوم بسترسازی نشر دانش

که هزاران سال پیش به‌همراه تاریخ ایران زیسته‌اند. شاکری در زمره مورخان محلی‌نگاری بود که ویژگی‌های خاصی دارد. علاقه او به تاریخ قوچان باعث شده است جمع‌آوری اطلاعات تاریخی و جغرافیایی را از دوران جوانی پیگیری کند. وی در مقدمه کتاب «اثرکنامه» درباره اهداف و زحماتی که برای کتاب کشیده، سخنان جاعمی بیان کرده است. سبک نگارشی وی در این کتاب، هر چند به سیاق کتاب‌های

بیشتر نویسندگان تاریخ محلی سعی در ارائه هویت فرهنگی و تاریخ جغرافیایی برای شهر خود دارند و واقع‌آثر آن‌ها نه تنها در حکم یک کتاب، بلکه اثر هویتی و تاریخی و معرف شهر محسوب می‌شود.

غرض از تألیف کتاب «اثرکنامه» هویت‌بخشیدن به مردمی است که سهم بزرگی در تاریخ خراسان دارند تا مردم قوچان بدانند که زنجیره‌ای به هم پیوسته و از تبار قومی هستند

ماجرای یک‌نامه

استاد رضاعلی شاکری در برهه‌ای از زندگی با مرحوم آیت... آقاجنی قوچانی آشنایی داشته و به همین بهانه، سال‌های بعد به تصحیح آثار ارزشمند او پرداخته است. او درباره آشنایی خود با او می‌نویسد: «در وقایع شهریور ۱۳۲۰ هم‌زمان با جنگ جهانی دوم وقتی قوای متفقین به کشور بی‌طرف ایران تجاوز کرد، شهر مرزی قوچان بیش از همه مورد تاخت و تاز و غارت مدعیان سوسیالیست قرار گرفت. به دنبال این واقعه شوم، مردم در بلا تکلیفی و ناامنی قرار گرفتند و بیش از همه مستمندان دچار سختی معیشت شدند. در این زمان مرحوم آیت... آقاجنی که سال‌ها در حکومت رضاخان خانه‌نشین شده بود، قیام کرد و با حرکت ایشان، عده‌ای از تجار و متمکنان شهر نیز همراه با آن مرحوم به باری مستمندان و افراد محروم شتافتند. به یاد دارم مرحوم آقاجنی روزی وارد اتاق رئیس فرهنگ وقت شد و با ناراحتی فرمود: «چرا فرماندار و رؤسای ادارات به فکر فقر و محرومان نیستند؟ همین امروز از آقایان دعوت کنید، بیایند و چاره‌ای اندیشند، شما هم یک نفر از کارمندان

پرونده ویژه شهرآرا به مناسبت درگذشت استاد رضاعلی شاکری، فرهیخته مشهدی و نخستین سرپرست کتابخانه آستان قدس رضوی



مرحوم آیت... واعظ طبسی و مرحوم رضاعلی شاکری در کنار رهبر معظم انقلاب در بازدید از کتابخانه آستان قدس رضوی. در سال ۱۳۶۹ خورشیدی

ایجاد کرد. او تاریخچه این کتابخانه را در کتاب «تاریخچه کتابخانه عمومی فرهنگ و هنر مشهد در پنجاه سال» به رشته تحریر در آورده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، او به خواست تولیت فقید آستان قدس رضوی به عنوان رئیس کارگزینی آستان قدس رضوی منصوب شد. پس از گذشت مدتی و با توجه به علاقه‌اش به کتاب و کتاب‌خوانی به عنوان نخستین سرپرست کتابخانه آستان قدس انتخاب شد. او توانست در طول ۱۵ سال حضورش در کتابخانه آستان قدس، فعالیت‌های بسیاری در زمینه توسعه کتاب‌خوانی و حفظ میراث ارزشمند این

به مشهد مشرف می‌شدم، از کتابخانه بهره‌برداری می‌کردم. در دورانی که جناب آقای رضاعلی شاکری رئیس کتابخانه بودند و من هر هفته یک بار برای تدریس دوره دکترای ادبیات به مشهد مشرف می‌شدم و نیز در زمانی که ریاست گروه فلسفه کلام اسلامی را در بنیاد پژوهش‌های اسلامی عهده‌دار بودم و ماهی یک بار زیارت مشهد نصیب می‌گردید، از نعمت دیدار جناب آقای شاکری برخوردار می‌شدم. استاد شاکری و همه می‌شناختند. مردی ادیب و فاضل و متواضع که خیر او در کتابخانه به همه اهل فضل رسیده است و من با اشارات ایشان، کتاب «مجموع الرسائل الفقهی» مرحوم آقاجنی قوچانی را در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی منتشر کردم.

قدس رضوی قبل و بعد از انقلاب» و «واقفین عمده کتاب به کتابخانه‌های آستان قدس رضوی» از جمله آثار مهم وی در باره کتابخانه است. در کنار این، تزیینی و نکته‌سنجی وی درباره خلأهای اطلاعاتی زمان خود نیز جالب بود. در کنار همه این هانفش انکار ناپذیری در معرفی آقاجنی قوچانی و آثارش، ستودنی است. تصحیح و معرفی آثاری مانند «سیاحت شرق» یا «زندگی‌نامه آقاجنی قوچانی» (تصحیح)، «مزاری در آغوش تاریخ»، «حیات‌الاسلام فی احوال آیت‌الملک‌الاعلام»، «سیاحت غرب یا سرنوشت ارواح بعد از مرگ» و «مجموعه مقالات همایش آقاجنی قوچانی» از جمله فعالیت‌های او بوده است. شاکری را باید در زمره مورخان محلی‌نگار اثرگذار در تاریخ و فرهنگ دانست، انسان‌هایی که به محیط اطراف خود بی‌تفاوت نیستند و سعی می‌کنند با اشاعه فرهنگ و هنر مشهد، «تاریخچه کتابخانه عمومی فرهنگ و هنر مشهد در ۵۰ سال»، «گنج هزار ساله کتابخانه مرکز آستان



از آن مرحوم به امانت گرفتیم که با کرامت و بزرگواری، در اختیارم گذارند.» او پس از مدتی کتاب را برای چاپ آماده ساخت و در سال ۱۳۴۹ خورشیدی نخستین چاپ این کتاب روانه بازار نشر شد.

او بخشی از کتاب را که به بررسی تحولات مشروطه و مشروطه‌خواهی پرداخته بود، در این کتاب نیاورد. عل‌آن‌هم برخی کتابه‌های مؤلف به مخالفان مشروطه بود، تا اینکه پس از انقلاب و در شهریور سال ۱۳۶۵ خورشیدی نامه‌ای به رهبر معظم انقلاب که در آن زمان ریاست جمهوری ایران را برعهده داشتند، نوشت و درخواست کرد که نظر خودشان را برای چاپ این بخش اعلام کنند. این آشنایی را چنین نقل می‌کند: «روزی در مشهد در تاریخ ۲۲ مهر همان سال توسط رئیس دفتر ارتباطات مردمی ایشان در قالب نامه‌ای داده شد. آیت... العظمی خامنه‌ای در این نامه چنین مرقوم داشتند: «با چاپ آن واقفم و در ثبت شده‌های تاریخی، ضرری نمی‌بینم. بالخصوص که هیچ‌کس از بزرگان و خوبان نیست که یک نفر هم با او مخالف نبوده و قضاوت منفی در باره او نداشته باشد و مرحوم